

# بررسی نقش کلیشه‌های جنسیتی کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر

■ شیمایملک‌زاده\*\*\*

■ افسانه نراقی‌زاده\*\*

■ گلنار مهران°

## چکیده:

در این پژوهش، متون و تصاویر کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان در خصوص کلیشه‌های جنسیتی در کتاب‌ها و نقش آن‌ها در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل دو بخش بود: بخش اول، کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۹۰ و بخش دوم را کلیه دانش‌آموزان سال اول دبیرستان شهر تهران تشکیل دادند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۸ دانش‌آموز (از هر جنس ۴ نفر) برای بخش مصاحبه انتخاب شدند. روش این پژوهش کیفی است و برای جمع‌آوری داده‌ها از راهنمای تحلیل تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و ادبیات کودکان آندره میشل و مصاحبه با دانش‌آموزان استفاده شده است. در همین راستا، کتاب‌ها در سه بخش تحلیل کمی محتوا، تحلیل کیفی محتوا و تحلیل تبعیض جنسی در دستور زبان و در نهایت پرسش‌های مصاحبه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که بیشترین درصد اسامی و تصاویر کتاب‌ها متعلق به مردان است و در میان فعالیت‌های مختلف نیز عمده‌ترین سهم زنان در فعالیت‌های خانگی و کمترین آن در فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی است. ویژگی‌های شخصیتی و رفتارهای اجتماعی متناسب به زنان و مردان نیز متأثر از پیش‌داوری‌هایی است که زن را جنس دوم و مرد را جنس برتر معرفی می‌کند. به‌طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که در کتاب‌های درسی سال اول دبیرستان کلیشه‌های جنسیتی به‌وفور یافت می‌شود و چهره ارائه‌شده از زن و مرد در این کتاب‌ها با واقعیت‌های اجتماعی سازگار نیستند. دختران در متون درسی یاد می‌گیرند که پسران توانا تر از آنان در کارهای عملی و فنی هستند؛ به همین دلیل تجدیدنظر در کتاب‌های درسی پیشنهاد می‌شود.

## کلیشه‌های جنسیتی، رشته تحصیلی، دانش‌آموز

## کلید واژه‌ها:

□ تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۲/۱۰ □ تاریخ شروع بررسی: ۹۵/۳/۱۰ □ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۰/۲۵

\* دانشیار آموزش و پرورش، گروه مدیریت آموزشی دانشگاه الزهرا تهران ..... gmehran@alzahra.ac.ir  
\*\* استادیار تعلیم و تربیت، گروه مدیریت آموزشی دانشگاه الزهرا تهران ..... anaraghi@alzahra.ac.ir  
\*\*\* دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، (نویسنده مسئول) ..... malekzadeh.shima@gmail

## مقدمه

آموزش و پرورش مهم‌ترین نهادی است که در هر جامعه‌ای حضور دارد و اولین نهادی است که کودک پس از خانواده به آن وارد می‌شود. به نظر می‌رسد تأثیر این نهاد عمیق‌تر و گسترده‌تر از سایر نهادها باشد. امروزه تقریباً همه افراد یکی از دوره‌های تعلیم و تربیت رسمی را طی می‌کنند و کودکان تقریباً نیمی از طول روز خود را در مدرسه می‌گذرانند و ارزش‌ها و اطلاعات لازم جهت زندگی به افراد منتقل می‌شود. این نهاد اهدافی را در ابتدای کار خود مشخص و طبق آن محتوای آموزشی را تعیین می‌کند. اهداف آموزشی به دو طریق پنهان و آشکار بر فرد تأثیر می‌گذارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که در کنار برنامه‌های آموزش رسمی<sup>۱</sup>، برنامه آموزشی پنهانی<sup>۲</sup> هم وجود دارد که بر یادگیری دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. درحالی‌که دانش‌آموزان در حال یادگیری دروس خود هستند، برنامه درسی پنهان آموزش‌های متفاوتی را به پسرها و دخترها می‌دهد، از جمله اینکه به صورت پنهان به آن‌ها آموزش می‌دهد چه شغلی برای هر جنس مناسب است (پیرونن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴، ص. ۵). ایوان ایلچ<sup>۴</sup> معتقد است که برنامه پنهان مدارس هیچ ارتباطی با محتوای رسمی دروس ندارد و به کودکان می‌آموزد که جایگاه خود را بشناسند و آرام آن قرار گیرند (گیدنز<sup>۵</sup>، ۱۳۹۲/۲۰۰۳، ص. ۴۶۰).

یکی از دستاوردهای برنامه‌های آموزشی، خواسته یا ناخواسته، آموزش و ترویج تفاوت‌های مربوط به جنسیت در شیوه‌های نگرش و رفتار است. مهم‌ترین ابزاری که در دست نهاد آموزش و پرورش است، کتاب‌های درسی است که از اهمیت خاصی برخوردار است. دانش‌آموزان جهان حدود ۸۰ تا ۹۷ درصد از زمان مدرسه خود را به کتاب‌های درسی اختصاص می‌دهند و معلمان بیشتر تصمیمات آموزشی خود را بر اساس کتاب‌های درسی می‌گیرند (زیتلمن<sup>۶</sup> و سدکر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷). قابل ذکر است که کتاب‌های درسی ایران به دلیل متمرکز بودن نظام آموزشی و یکسان بودن آموزش در کل کشور از اهمیت بسزایی برخوردارند. کتاب‌های درسی با دربرگرفتن ارزش‌ها، عقاید و تفکرات به دانش‌آموزان جهت می‌دهند و در جامعه‌پذیر کردن آن‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در واقع جامعه‌پذیری<sup>۸</sup> یکی از مهم‌ترین مکانیسم‌های جوامع امروزی به منظور درونی کردن تفکر، نظام اندیشه و عقاید جامعه از طریق منابعی چون آموزش و پرورش (شامل کتاب‌های درسی می‌شود) می‌باشد (منادی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۱). جامعه‌پذیری جنسیتی<sup>۹</sup> از زیرمجموعه‌های جامعه‌پذیری و آن بخش از اجتماعی شدن است که به وسیله آن نه تنها کودکان تبدیل به افرادی اجتماعی می‌شوند بلکه افراد را از ویژگی‌های مردانه و زنانه نیز برخوردار می‌سازد (ریاحی، ۱۳۸۶). در این وضعیت، جنسیت یعنی مرد یا زن بودن، دربردارنده مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و رفتارهایی است که در درون هر جامعه برای مردان و زنان شایسته و مناسب می‌باشد (استنلی و وایز<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۲، ص. ۲۷۳).

از دیدگاه جامعه‌شناسان جامعه‌پذیری روندی است که فرد را برای زندگی گروهی آماده می‌کند و نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت، نگرش و رفتار دارد (الکین و هندل<sup>۱۱</sup>، ۱۹۷۲، ص. ۴). نهادهای جامعه‌پذیر که در هر جامعه‌ای وظیفه جامعه‌پذیر کردن افراد را به عهده دارند عبارت‌اند از خانواده،

آموزش مدرسه‌ای و کتاب‌های درسی و رسانه‌های همگانی (دشتی و حسینی، ۱۳۹۴). کتاب‌های درسی به‌عنوان یکی از این نهادها، الگوهای مختلف و نقش‌های مختلف را به دانش‌آموزان معرفی می‌کند و آن‌ها را برای به عهده گرفتن نقش‌های فردی و اجتماعی در آینده آماده می‌سازد. مطالعات انجام‌شده در بیشتر کشورهای جهان نشان داده است که کتاب‌های درسی حاوی کلیشه‌های جنسیتی هستند (پیرونن، ۲۰۰۴، ص. ۶) و این کلیشه‌ها را به دانش‌آموزان منتقل می‌کنند و به دانش‌آموزان از این طریق یاد داده می‌شود که هر جنسی چه نقشی را باید در جامعه ایفا کند (میشل، ۱۳۸۱/۱۹۹۵، ص. ۶۷). کلیشه‌ها<sup>۱۲</sup> به‌عنوان مجموعه باورهایی در مورد ظاهر جسمانی، نگرش‌ها، علایق، صفات روانی، روابط اجتماعی و نوع شغل زنان و مردان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (گولومبوک و فی و ش، ۱۳۹۳/۲۰۰۷، ص. ۲۶). با توجه به اینکه کلیشه‌های جنسیتی<sup>۱۳</sup> صفات خاصی را به مردان و زنان نسبت می‌دهند که وجود نوعی تبعیض در آن آشکار است، سبب بروز تفاوت‌ها و تبعیضاتی در انتظارات نقش‌های زنان و مردان می‌شوند. کلیشه‌ها الزاماً منعکس‌کننده واقعیت نیستند بلکه معرف باورهای مشترک در مورد چگونگی افراد محسوب می‌شوند، لیکن به دلیل تأثیراتی که بر مخاطبان‌شان می‌گذارند از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ مضاف بر اینکه علیرغم تغییرات زیادی که در نقش‌های زنان و مردان در جامعه به وجود آمده، اما باورهای مرتبط با خصوصیات و صفات وابسته به جنسیت تغییر زیادی نکرده است (ص. ۶۴)؛ بر اساس کلیشه‌های جنسیتی، زنان و مردان در جامعه دارای ویژگی‌های خاص، رفتارهای خاص و حالات روانی خاص هستند و در نهایت قابلیت انجام وظایفی را دارند که به‌صورت معمول با یکدیگر متفاوت‌اند. کلیشه‌سازی از طرفی خصوصیات و توانایی‌هایی را به زنان اختصاص می‌دهد که در مردان از آن‌ها نشانه‌ای نیست و از طرف دیگر، توانایی‌ها و خصوصیات را به مردان نسبت می‌دهد که زنان از آن بی‌بهره‌اند. قابل ذکر است که تجزیه و تحلیل کلیشه‌های جنسیتی در کشورهای توسعه‌یافته تاریخی طولانی دارد و از طریق تحلیل محتوای کتاب‌های درسی تلاش بسیاری را برای جلوگیری از رواج کلیشه‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی در تمام دنیا انجام دادند (بلومبرگ<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۷، ص. ۶)؛ اما این زمینه در کشورهای جهان سوم هنوز به آن صورتی که باید و شاید مورد بررسی قرار نگرفته است (گونگ<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۸، ص. ۱۲). نتایج مطالعه همدان<sup>۱۶</sup> و جلابنه<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۹) نشان داد که حدود ۷۵ درصد از مکالمات در دروس کتاب‌های درسی مربوط به مردان بوده است. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که مردان شروع‌کننده مکالمه بوده‌اند و مردان بیشتر از زنان در حال صحبت بوده‌اند. در نهایت آن‌ها اعلام کرده‌اند که در کتاب‌های درسی (ای. اف. آل) موضوع‌های مکالمه را بیشتر مردان به خود اختصاص داده‌اند و زنان در این حیطه کمتر دیده می‌شوند. مرکز اطلاعات و آموزش زنان مونه‌نگرو-زینک در سال ۲۰۱۰ در پژوهشی با عنوان کلیشه‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی پایه‌های اول، چهارم و هشتم نشان داده است که کتاب‌های درسی حاوی نقش‌های جنسیتی سنتی، کلیشه‌های جنسیتی زنانه و مردانه است. نقش‌های زنانه شامل نقش‌های ساده و بدون تنوع مانند مادر یا معلم است و نقش‌های مردانه کمتر حالت کلیشه به خود گرفته‌اند و تنوع

نقش در نقش‌های مردانه دیده می‌شود. نقش‌هایی مانند سرباز، خلبان، ریاضی‌دان و تاریخ‌دان. در این پژوهش نتیجه گرفته شد که کلیشه‌های جنسیتی کتاب‌های درسی، پیشنهادهایی را به پسران و دختران می‌کند: دختران را منفعل، نادیده گرفته شده و پسران را معمولاً با مهارت، باهوش، شیطان و دارای حس کنجکاو معرفی می‌کند. در ایران پژوهش‌هایی در مورد کلیشه‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی انجام شده است که عمدتاً به تجزیه و تحلیل تصاویر کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و دوره راهنمایی و گاه دوره متوسطه پرداخته‌اند: سیف (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان تفاوت‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی ایران در سال ۱۳۸۹، به بررسی تبعیض جنسی در مواد و متون آموزشی پرداخته است. در این پژوهش ۲۱ کتاب درسی دوره دبستان و چهار کتاب درسی دوره اول متوسطه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داد که در سراسر کتاب‌های درسی، بر اساس تنها الگویی که تبلیغ می‌شود، زن مادر است و خانه‌دار، مرد نان‌آور است و رئیس خانواده. دختر کمک مادر است در کار خانه و پسر مقلد کار پدر و در تدارک مرد فردا شدن است. سیف نتیجه گرفت که دانش‌آموز ایرانی هیچ راه‌گیزی از این کلیشه‌ها ندارد، کارهای با تخصص بالا را مردان، و کارهای ساده را زنان برعهده دارند. چنین است که تبعیض جنسی در جامعه به سنت بدل می‌گردد. بررسی نتایج مطالعات فوق نشان می‌دهد که تبعیض جنسی آشکار و پنهان در کتاب‌های درسی موجود است و در واقع کتاب‌های درسی به تقویت این تبعیض دامن می‌زنند. حاضری و احمدپور (۱۳۹۱)، در پژوهش خود با عنوان بازنمایی در کتب فارسی مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان در سال ۸۹-۱۳۸۸، می‌گویند: نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد در بخش کمی، به مردان بسیار بیش از زنان پرداخته شده است و زنان با معیار این شاخص‌ها حضور چندانی در کتاب‌های مورد بررسی ندارند. از نظر کیفی زنان در اندک موارد حضور، موجوداتی ضعیف، عاطفی، نیازمند کمک و مطیع مردان بازنمایی می‌شوند. در مقابل، مردان در موارد بسیاری، حاضر در اجتماع، صاحب‌قدرت، دانا و عاقل، مدیر و کارداران، شجاع و جنگنده تصویر شده‌اند. به‌نظر می‌رسد کلیشه‌های جنسیتی رایج در اجتماع، در کتاب‌های مورد بررسی نیز بازتولید شده‌اند.

به‌طور کلی با در نظر گرفتن اهمیت نهاد آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان و با توجه به اینکه، از مهم‌ترین مراجع و منابع برای انتقال باورها، احساسات و رفتارها در این نهاد آموزشی، کتاب‌های درسی است و هنوز هم با توجه به تجدیدنظرهای متعدد آثاری از نگرش‌های قالبی در آن‌ها دیده می‌شود. بررسی محتوای کتاب‌های درسی یعنی دانش، مهارت‌ها، ارزش‌هایی که باید آموخته شود، اهمیت می‌یابد. طبق قوانین مدرسه دانش‌آموزان در پایان سال اول دبیرستان (سال نهم یا سال اول نظری) تصمیم می‌گیرند که انتخاب رشته تحصیلی کنند، بدین منظور سال اول دبیرستان، سال سرنوشت‌سازی برای آن‌ها است و لذا پژوهشگر این سال تحصیلی را انتخاب کرده است تا بتواند پیوند بین انتخاب رشته تحصیلی و کلیشه‌های جنسیتی آموخته‌شده از کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و زبان فارسی را مشخص کند و بررسی کند که آیا در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان کلیشه‌های

بررسی نقش کلیشه‌های جنسیتی کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر

جنسیتی موجود است یا خیر و اگر وجود دارد آیا تأثیری بر انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان دارد؟ همچنین با توجه به اینکه کتاب درسی مؤثرترین ابزار در نهاد آموزش و پرورش است که می‌تواند باورهای قالبی را از بین ببرد و با نابرابری‌های اجتماعی بین زن و مرد مبارزه کند و مهم‌ترین وسیله انتقال ارزش‌ها به نسل‌ها به شمار می‌رود؛ اهمیت بررسی محتوای این کتاب‌ها را دوچندان می‌کند. در نهایت اهمیت نقش کلیشه‌های جنسیتی در آشکار نمودن تبعیض، تأثیرات مختلفی که این کلیشه‌ها بر مخاطبان در انتخاب شغل، نقش و رشته تحصیلی می‌گذارند و انجام پژوهش‌های اندک در این زمینه در داخل کشور، از جنبه‌های اهمیت این پژوهش هستند. در واقع این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که کلیشه‌های جنسیتی کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر چه نقشی دارند؟

## ■ اهداف پژوهش

بررسی متون و تصاویر کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان در خصوص نقش‌های منتسب به مردان و زنان و در این حین تلاش می‌شود تا پیام‌های مندرج در کتاب‌ها در مورد الگوهای جنسیتی شناخته شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بررسی نظرات دانش‌آموزان سال اول دبیرستان شهر تهران در مورد نقش‌های منتسب به مردان و زنان در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و زبان فارسی و نقش آن‌ها در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان.

## ■ پرسش‌های پژوهش

- نقش‌های نسبت داده‌شده به زنان و مردان از جهت فعالیت‌های مختلف (خانگی، تربیتی، حرفه‌ای، سیاسی-اجتماعی و اوقات فراغت) در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان به چه صورت می‌باشد؟
- صفات نسبت داده‌شده به زنان و مردان در محتوای کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان به چه شکلی ظاهر شده است؟
- نظر دانش‌آموزان سال اول دبیرستان درباره نقش‌ها و صفات مربوط به زنان و مردان در کتاب‌های درسی‌شان چیست؟
- از نظر دانش‌آموزان سال اول دبیرستان آیا نقش‌ها و صفات مربوط به زنان و مردان در کتاب‌های درسی‌شان نقشی در انتخاب رشته تحصیلی آنان داشته است؟
- نقش‌ها و ویژگی‌های منتسب به زنان و مردان در کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان تا چه حد با واقعیت‌های جامعه منطبق است؟

## ■ روش پژوهش

جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، با استفاده از روش پژوهش کیفی<sup>۱۸</sup> (تحلیل محتوا به روش آندره میشل و مصاحبه) صورت گرفته است.

**جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری:** جامعه آماری در این پژوهش شامل دو بخش بود؛ که بخش اول را کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و زبان فارسی پایه اول دبیرستان در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۸۹ (کتاب‌های درسی مورد بررسی تا پایان سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ مورد استفاده دانش‌آموزان بوده است و تغییری در آن‌ها یافت نشده است و در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و زبان فارسی تا حدودی تغییر کرده است اما همچنان همان رویکرد را ادامه می‌دهد) تشکیل می‌دادند. علت انتخاب این سال بدین منظور بود که بتوان در پایان سال تحصیلی از دانش‌آموزان سال اول دبیرستان که کتاب‌های درسی سال ۱۳۹۰-۱۳۸۹ را مطالعه کرده‌اند و آماده تصمیم‌گیری برای انتخاب رشته هستند، مصاحبه‌ای اجرا شود و علت انتخاب رشته آن‌ها پرسیده شود و دلیل انتخاب دو کتاب ادبیات فارسی و زبان فارسی بدین خاطر بوده است که نزدیک‌ترین متون به فرهنگ و جامعه ایران است که می‌تواند مطالبی در زمینه نقش‌ها به دانش‌آموزان انتقال دهد و بخش دوم متشکل از کلیه دانش‌آموزان سال اول دبیرستان شهر تهران بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۸ دانش‌آموز (از هر جنس ۴ نفر) برای بخش مصاحبه انتخاب شدند. به این ترتیب که ابتدا به روش هدفمند، منطقه ۶ از میان مناطق ۱۹ گانه آموزش و پرورش، به دلیل اینکه سطح وسیعی از مدارس دولتی شهر تهران را تحت پوشش خود قرار داده است، انتخاب و از میان مدارس موجود در این منطقه دو مدرسه دولتی (یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه) به صورت تصادفی انتخاب و در نهایت ۸ دانش‌آموز ۱۴ ساله (از هر مدرسه و از هر جنس ۴ نفر) برای بخش مصاحبه انتخاب شدند.

## ■ ابزار پژوهش

با توجه به اینکه روش پژوهش حاضر، روش کیفی است، پژوهشگر از دو ابزار تحلیل محتوا (روش آندره میشل) و مصاحبه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده کرده است که هر یک بخشی از جامعه پژوهش می‌باشند.

۱. **روش آندره میشل:** در این پژوهش از روش تحلیل محتوا بر اساس تکنیک راهنمای تحلیل تبعیض جنسی آندره میشل استفاده شده است. تکنیک میشل بر اساس محتوای اثر مورد بررسی به سه قسمت تقسیم می‌شود: تحلیل کمی محتوا<sup>۱۹</sup>، تحلیل کیفی محتوا<sup>۲۰</sup> و تحلیلی تبعیض جنسیتی در زبان<sup>۲۱</sup>. شاخص‌های مورد استفاده در این روش شاخص‌های کمی (مانند شمارش و مقایسه تعداد و درصد اسامی، تصاویر و مشاغل و نقش‌های محوله به زنان و مردان)؛ شاخص‌های کیفی (مانند طبقه‌بندی مشاغل، فعالیت‌ها و ویژگی‌های زنان و مردان در زمینه‌های مختلف) و تحلیلی تبعیض جنسیتی در زبان بوده است.

بررسی نقش کلیشه‌های جنسیتی کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر

۲. **مصاحبه:** پس از انجام تحلیل محتوای کتاب‌های درسی سال اول دبیرستان، از مصاحبه به منظور کسب اطلاعات دقیق‌تر و کامل‌تر در زمینه موضوع پژوهش استفاده شده است. سؤال‌های مصاحبه نیمه ساختارمند بر اساس یافته‌های تحلیل محتوا در کتاب‌های درسی و پرسش‌های پژوهش است که روایی آن مورد تأیید استاد راهنما و مشاور قرار گرفته است. لازم به ذکر است که مصاحبه با دانش‌آموزان چندین بار به صورت آزمایشی انجام شده است. مصاحبه‌ها به صورت رودر رو با افراد در محیطی که خاستگاه مصاحبه‌شونده بوده است انجام گردیده است.

## نتایج

### ۱- تحلیل کمی اسم‌ها و تصویرها

**جدول ۱.** توزیع تعداد و درصد اسم‌های خاص و عام و تصویرهای کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان به تفکیک جنس

عنوان کتاب	اسم‌های خاص			اسم‌های عام			مجموع اسامی			تصاویر	
	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	مرد	جمع
ادبیات فارسی	۲۱	۱۳۸	۱۵۹	۳۱	۴۶	۷۷	۵۲	۱۸۴	۲۳۶	-	۲۵
	درصد	۱۳	۸۴	۱۰۰	۴۰	۶۰	۱۰۰	۲۴	۷۶	۱۰۰	۱۰۰
زبان فارسی	۱۴	۱۵۵	۱۶۹	۱۹	۵۸	۷۷	۳۳	۲۱۳	۲۴۶	-	۵
	درصد	۸	۹۲	۱۰۰	۲۵	۷۵	۱۰۰	۱۳	۸۷	۱۰۰	۱۰۰

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، مقایسه تعداد اسم‌های مذکر و مؤنث در کتاب ادبیات فارسی نشان می‌دهد که اسم‌های مذکر بیش از ۳ برابر اسم‌های مؤنث است. از مجموع ۲۳۶ اسم خاص و عام مذکر و مؤنث تعداد ۱۸۴ اسم مربوط به مردان (اسامی خاص مانند مولانا، فردوسی، رستم و سهراب و اسامی عام مانند پدر، پسر و پیرمرد) و ۵۲ اسم از آن زنان (اسامی خاص مانند زهرا خانلری (کیا)، سیمین دانشور، پروین اعتصامی و لیلی؛ و اسامی عام مانند مادر، دختر، زنان و عمه) است، یعنی ۷۶ درصد در مقابل ۲۴ درصد. تحلیل این تعداد به تفکیک اسم‌های خاص و عام در دو جنس بدین قرار است: ۱۳۸ اسم خاص مذکر در برابر ۲۱ اسم خاص مؤنث یعنی ۸۴ درصد در برابر ۱۳ درصد و تعداد اسم‌های عام مذکر برابر است با ۴۶ در مقابل ۳۱ اسم عام مؤنث یعنی ۶۰ درصد در مقابل ۴۰ درصد. نسبت بین نام‌های مربوط به شخصیت‌های زن و مرد نیز به همین ترتیب معنی‌دار است و نام‌های مربوط به شخصیت‌های مرد چند برابر نام شخصیت‌های زن است که در بخش تحلیل کمی و کیفی فعالیت‌ها از جهتی دیگر بررسی خواهد شد. تصویر زنی در این کتاب به‌تنهایی مشاهده نشد، درحالی‌که

بررسی نقش کلیشه‌های جنسیتی کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر

تصویر مردان شامل: رهبر انقلاب، شاعران و نویسندگانی چون فردوسی، دهخدا، ناصر خسرو و تصویر پهلوانانی چون رستم و سهراب و سربازان دوران ۸ سال دفاع مقدس است. همچنین طبق نتایج جدول شماره ۱، مقایسه تعداد اسم‌های مذکر و مؤنث در کتاب زبان فارسی نشان می‌دهد که اسم‌های مذکر بیش از ۵ برابر اسم‌های مؤنث است. از مجموع ۲۴۶ اسم خاص و عام مذکر و مؤنث، تعداد ۲۱۳ اسم مربوط به مردان (اسامی خاص مانند ملک‌الشعراى بهار، قیصر امین پور، ویکتور هوگو، میرزا محمدخان، عیسی، سیاوش و ضحاک؛ و اسامی عام مانند پدر، برادر، عمو و شیخ) و ۳۳ اسم از آن زنان (اسامی خاص مانند سیمین، نرگس و خانم ایران‌نژاد؛ و اسامی عام مانند مادر، دختر، خواهر و خانم) است، ۸۷ درصد در مقابل ۱۳ درصد. تحلیل این تعداد به تفکیک اسم‌های خاص و عام در دو جنس بدین قرار است: ۱۵۵ اسم خاص مذکر در ۱۴ اسم خاص مؤنث یعنی ۹۲ درصد در برابر ۸ درصد و تعداد اسم‌های عام مذکر برابر است با ۵۸ در مقابل ۱۹ اسم عام مؤنث یعنی ۷۵ درصد در مقابل ۲۵ درصد. نسبت بین نام‌های مربوط به شخصیت‌های زن و مرد نیز به همین ترتیب معنی‌دار است و نام‌های مربوط به شخصیت‌های مرد چند برابر نام شخصیت‌های زن است که در بخش تحلیل کمی و کیفی فعالیت‌ها از جهتی دیگر بررسی خواهد شد. در تصاویر کتاب زبان فارسی، تصویری از زنان به چشم نخورد و تصاویر مردان شامل تصویری از امام خمینی (ره)، استاد شهیدی، سربازی در حال نماز خواندن و دست‌های مردانه‌ای در حال ریختن حروف الفبا از آسمان است.

### - تحلیل کمی و کیفی فعالیت‌ها

جدول ۲. مقایسه فعالیت‌های دو جنس در کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی پایه اول دبیرستان به تفکیک جنس

عنوان کتاب		فعالیت خانگی		فعالیت تربیتی		فعالیت حرفه‌ای		فعالیت سیاسی-اجتماعی		فعالیت اوقات فراغت	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
زن	۷	۸۷	۳	۳۳	۸	۷	۴	۸	۰	۰	۰
مرد	۱	۱۳	۶	۶۷	۱۰۴	۹۳	۴۴	۹۲	۴	۱۰۰	۱۰۰
جمع	۸	۱۰۰	۹	۱۰۰	۱۱۲	۱۰۰	۴۸	۱۰۰	۶۷	۱۰۰	۱۰۰
زن	۱	۱۰۰	۴	۲۸	۴	۴	۰	۰	۵	۱۷	۱۷
مرد	۰	۰	۱۰	۷۲	۹۹	۹۶	۲۷	۱۰۰	۲۴	۸۳	۸۳
جمع	۱	۱۰۰	۱۴	۱۰۰	۱۰۳	۱۰۰	۲۷	۱۰۰	۲۹	۱۰۰	۱۰۰



همان‌طور که نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، از مجموع ۸ فعالیت خانگی شمارش شده در کتاب ادبیات فارسی، تنها ۱ فعالیت (۱۳ درصد) به مردان تعلق دارد (خرید توسط نیما یوشیج) و ۷ فعالیت باقی‌مانده (۸۷ درصد) متعلق به زنان می‌باشد (آب آوردن از چشمه برای خانه، غذا پختن، خرید کردن، رخت شستن، شستن کف اتاق، مسئول بودن کارهای خانه و سراسر روز کار کردن در خانه). در کتاب زبان فارسی نیز تنها ۱ فعالیت خانگی (۱۰۰ درصد) به زنان تعلق دارد (جمع‌آوری سبب و ظروف بیرون از چادر عشایر)؛ از مجموع ۹ فعالیت تربیتی شمارش شده در کتاب ادبیات فارسی، ۶ فعالیت (۶۷ درصد) را مردان به عهده داشته‌اند (نصیحت جوانان به درس خواندن، آموختن درس به فرزند، نصیحت پدر به پسر برای زندگی، مهر و دلسوزی پدر) و ۳ فعالیت دیگر (۳۳ درصد) به زنان تعلق دارد (اموری مانند نگهداری فرزند، تعیین نام فرزند و مراقبت از فرزندان در هنگام بیماری). این فعالیت در کتاب زبان فارسی به این ترتیب است که از مجموع ۱۴ فعالیت تربیتی شمارش شده، ۱۰ فعالیت (۷۲ درصد) را مردان به عهده داشته‌اند (نصیحت جوانان به درس خواندن، حمایت کودکان و رساندن آن‌ها به خانه، سرزنش کردن فرزند، تربیت فرزند، حرف‌هایی که به فرزند قوت قلب می‌دهد و نصیحت پدر) و ۴ فعالیت دیگر (۲۸ درصد) نیز به زنان تعلق دارد (گفتن قصه به فرزند، خواباندن فرزند، تعیین نام فرزند و بوسیدن فرزند)؛ از مجموع ۱۱۲ فعالیت حرفه‌ای شمارش شده در کتاب ادبیات فارسی، ۱۰۴ فعالیت (۹۳ درصد) متعلق به مردان است (نویسنده، شاعر، حکیم، دانشمند، نقاش، استاد، مؤلف، خوشنویس، شکارچی، چوپان، فیلم‌ساز، پیشخدمت، مترجم، خیاط، تاجر و جهانگرد) و ۸ فعالیت (۷ درصد) به زنان تعلق دارد (شاعری، کارمندی بانک، نویسنده، خوشنویس، طراحی جلد و صفحه‌آرایی). در کتاب زبان فارسی نیز از مجموع ۱۰۳ فعالیت حرفه‌ای شمارش شده، ۹۹ فعالیت (۹۶ درصد) به مردان تعلق دارد (نویسنده، شاعر، حکیم، دانشمند، استاد، دکتر، مهندس، رئیس، معلم، مدیر مدرسه، کارمند، مترجم، طراح جلد، صفحه‌آرا، صیاد، همیزم‌سکن و بقال) و ۴ فعالیت (۴ درصد) نیز به زنان تعلق دارد (معلمی، شاعری و پژوهشگری)؛ از مجموع ۴۸ فعالیت سیاسی - اجتماعی شمارش شده در کتاب ادبیات فارسی، ۴۴ فعالیت (۹۲ درصد) متعلق به مردان است (رهبری، پیامبری، پهلوانی، پادشاهی، سربازی، شهیدی، فرمانداری، جنگاوری، نماینده مجلس و جانبازی) و ۴ فعالیت (۸ درصد) متعلق به زنان است (سه فعالیت آن زنان مبارز دوران انقلاب اسلامی را به تصویر کشیده است و مورد چهارم حضرت زهرا (س) را مثال زده است).

در کتاب زبان فارسی نیز از مجموع ۲۷ فعالیت سیاسی - اجتماعی شمارش شده، هر ۲۷ فعالیت (۱۰۰ درصد) به مردان تعلق دارد که این فعالیت‌ها رهبری، امامت، پهلوانی، مبارز، شهادت و اسیری را در برمی‌گیرد؛ در نهایت از مجموع ۴ فعالیت اوقات فراغت شمارش شده در کتاب ادبیات فارسی، هر ۴ فعالیت (۱۰۰ درصد) به مردان تعلق دارد که فعالیت‌های خرید هدیه برای روز مادر، خواندن

دعا و روضه و مليله‌کاری را در برمی‌گیرد. از مجموع ۲۹ فعالیت اوقات فراغت شمارش شده در کتاب زبان فارسی، ۲۴ فعالیت (۸۳ درصد) به مردان تعلق دارد (توپ‌بازی، دیدن دوستان، خرید و خواندن کتاب، کاشتن نهال، خرید میخ و تخته، مناجات کردن، فرستادن نامه، عضو شدن در کتابخانه، شرکت در المپیاد، افطاری رفتن، مسافرت و کوه‌نوردی) و ۵ فعالیت (۱۳ درصد) نیز متعلق به زنان است (شامل خرید انگشتر، نوشتن مقاله، شرکت در المپیاد و بافتن بافتنی).

به‌طور کلی، همچنان که در جدول شماره ۲ مشخص است، نسبت فراوانی فعالیت‌های مردان از تربیتی تا سیاسی - اجتماعی، سیری صعودی دارد، این بدان معناست که هر قدر فعالیت مستلزم حضور بیشتر در جامعه باشد از تعداد زنان در آن فعالیت کاسته و بر تعداد مردان افزوده می‌شود و برعکس هر اندازه فعالیت مستلزم حضور بیشتر در خانه باشد فراوانی زنان در آن بیشتر است.

### - ویژگی‌های شخصیتی و صفات متناسب به زنان و مردان

در این بخش از نتایج، صفاتی مثبت<sup>۲۲</sup> و منفی<sup>۲۳</sup> متناسب به مردان و زنان در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان، مورد بررسی قرار گرفت و در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

در واقع صفات متناسب به مردان در کتاب ادبیات فارسی شامل صفات مثبت مهارت در سخنوری، حریف نداشتن در جنگیدن، دلاوری، احترام به حرف بزرگ‌تر، فداکار، شجاعت، اعجوبه بودن، سخاوتمند، چاره‌اندیشی، مهربانی، تواضع، دلسوزی، میهن‌پرستی، اصلاح‌طلبی، متعهد، صادق بودن، خدمتگزاری، دریادلی، وفاداری، درویشی، باتجربه، شهرت، عاشق واقعی، شهامت و پایداری و صفات منفی بدجنسی، طمع داشتن، غرور، بی‌مسئولیتی، زیرکی، خودخواهی، لجاجت و ظالم بودن است. همچنین در کتاب ادبیات فارسی، صفات متناسب به زنان شامل صفات مثبت مهربانی، فداکاری، با استعدادی و وابستگی به فرزند و صفات منفی اشک ریختن، ساده‌لوح، نفرت از کارخانه، احمق، تحمل نداشتن در تشنگی و زیاد نخندیدن به فرزندان است.

در کتاب زبان فارسی نیز، صفات متناسب به مردان شامل صفات مثبت دانایی، نیکوکاری، مهربانی، خوشحالی، جنگیدن با دشمن، پرهیزگاری، ذکرگویی، کمک به دیگران، آزادی‌خواهی، فعالی، شهرت، گشاده‌دستی علاقه به نقاشی، ماهری و علاقه‌مند به کوه‌نوردی و صفات منفی ستمگری، سرزنش‌گری، خشونت، عدم دلبستگی به چیزی و بی‌مسئولیتی است. همچنین در کتاب زبان فارسی، صفات مثبت متناسب به زنان شامل متعهد و مهربانی است و صفات منفی متناسب به زنان مال دوستی، رندی و زرنگی است.

بررسی نقش کلیشه‌های جنسیتی کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر

**جدول ۳:** گزارش آماری ویژگی‌های شخصیتی و صفات منتسب به زنان و مردان در کتاب‌های درسی ادبیات و زبان فارسی پایه اول دبیرستان به تفکیک جنس

کتاب	مرد		زن	
	صفات مثبت (تعداد)	صفات منفی (تعداد)	صفات مثبت (تعداد)	صفات منفی (تعداد)
ادبیات فارسی	۷۱	۱۲	۸	۷
زبان فارسی	۲۰	۹	۳	۳
جمع کل	۹۱	۱۷	۱۱	۱۰

طبق نتایج جدول شماره ۳، از مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و رفتارهای اجتماعی منتسب به زنان و مردان در کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی پایه اول دبیرستان روشن می‌شود که در مجموع ۲ کتاب، ویژگی‌ها و رفتارهای مثبت مردان بیشتر از زنان است (۹۱ در برابر ۱۱) و ویژگی‌ها و رفتارهای منفی آنان نیز بیش از زنان است (۱۷ در برابر ۱۰)؛ اما از آنجاکه بخش بسیار کمی از کل محتوای این کتاب‌ها به نقش‌های مختلف زنان اختصاص یافته و قسمت عمده آن به مردان مربوط است، ویژگی‌ها و رفتارهایی هم که به هریک از دو جنس منتسب شده به میزان قابل توجهی نابرابر است و به همین جهت مقایسه عددی صفات و رفتارهای دو جنس نمی‌تواند چندان معنی‌دار باشد ولی مقایسه نوع ویژگی‌ها و رفتارهای دو جنس نشان می‌دهد که ویژگی‌هایی که جنبه‌های اجتماعی قوی‌تر دارد و عنصر ابتکار و هوش در آن‌ها بیشتر است عمدتاً به مردان منتسب شده و از طرف دیگر ویژگی‌های زنان بیشتر فردی و غیرپویا است.

#### - کاربرد واژگان، کنایه‌ها و اشاره‌ها در مورد زنان و مردان

در این بخش از نتایج، کاربرد واژگان، کنایه‌ها و اشاره‌هایی که در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان نسبت داده شده است، مورد بررسی قرار گرفت و گزارش آن در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

اشاره‌ها و کنایه‌ها از شکل‌های بسیار پوشیده تبعیض جنسیتی<sup>۲۴</sup> به حساب می‌آیند و پیش از هر چیز به معنای آن هستند که به افراد یک جنس، نقش‌های غیر سنتی را چنان نسبت دهند که گویی این نقش‌ها از آن هر دو جنس نیستند.

جدول ۴. گزارش کمی کاربرد واژگان، کنایه‌ها و اشاره‌ها در کتاب‌های درسی پایه اول دبیرستان به تفکیک جنس

کتاب	مرد	زن
ادبیات فارسی	۲۲	۸
زبان فارسی	۱۰	۱
جمع کل	۳۲	۹

همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، حدود ۳۲ واژه، کنایه و اشاره در مورد مردان و ۹ واژه، کنایه و اشاره در مورد زنان در این دو کتاب به کار رفته است. نتایج بررسی این دو کتاب نشان داد که هر جا اشاره به انسان‌ها (چه زن و چه مرد) بوده است، از اسم‌های مذکر برای بیان آن‌ها اشاره شده است؛ به‌عنوان مثال «سوگند خورد به یزدان دادار کردگار و به نان‌ونمک مردان و به صحبت جوانمردان که آتشک غدر نکند (ادبیات فارسی، درس پنجم: ص ۳۸)».

همچنین می‌توان اشاره‌ای به نقش‌ها کرد که نیاز به گذاشتن تفاوت بین مرد و زن نیست اما از اسامی مذکر استفاده می‌شود. در واقع مسئولیت‌های مملکتی به مردان منتسب شده است و کاربرد صیغه مذکر برای اشاره به تمام افراد، مردان و زنان که بشریت را تشکیل می‌دهند، کاستن از ارزش جنس مؤنث و ناچیز شمردن آن است؛ به‌عنوان مثال «چه زن و چه مرد باشد هر دو را شاعر می‌نامیم، نه شاعره برای زن (زبان فارسی، درس دوم: ص ۱۰)».

در ادامه می‌توان اضافه کرد که هر جا صحبت از بزرگی، عظمت، قدرت، دانش، ابتکار و هوش بوده، واژه‌ها و صفات مذکر بکار رفته است؛ «به‌عنوان مثال:

- اگر برادران باهم عهدی ببندند، آن عهد را هیچ‌گاه نمی‌شکنند (ادبیات فارسی، درس پنجم: ص ۳۸).

- جهان‌آفرین تا جهان‌آفرید سواری چو رستم نیامد پدید (ادبیات فارسی، درس دوم: ص ۱۲).

- علی مردانه با دشمن می‌جنگد (زبان فارسی، درس چهارم: ص ۲۰)».

و هر جا از زیبایی، لطافت، مهربانی و ضعیف بودن سخن به میان رفته است از واژه‌ها و صفات مؤنث استفاده شده است؛ «به‌عنوان مثال:

- پدر می‌گوید هدیه خوبی است. زن‌ها بعضی وقت‌ها نمی‌دانند چطور خودشان را از سنگینی بار زحمت خلاص کنند (ادبیات فارسی، درس دهم: ص ۸۲).

- من دختر دریا هستم (ادبیات فارسی، درس یازدهم: ص ۸۷)».

قابل ذکر است که تنها در درس بیستم ادبیات فارسی که بیان می‌کند، «مدینه نیمی از بهشت است و بقیع نیمی از مدینه. این قبرستان نه‌چندان بزرگ، چه بزرگ‌مردان و شیر زنانی را در خود جای داده است»؛ یک مورد زنان با قدرت و به‌عنوان شیر زن مطرح شده‌اند. در واقع در این جمله هم مرد و هم زن به‌عنوان اشخاص شجاع معرفی شده‌اند.

### ارائه و تجزیه و تحلیل یافته‌های مصاحبه با دانش‌آموزان

در این بخش از نتایج، پرسش‌های مصاحبه به صورت تک به تک ارائه شده است و هدف‌های هر پرسش در بخش ارائه و تجزیه و تحلیل یافته‌های مصاحبه مطرح شده است. لازم به ذکر است که برای شناسایی دانش‌آموزان پسر از کدهای ۱، ۲، ۳ و ۴ و برای شناسایی دانش‌آموزان دختر از کدهای ۵، ۶، ۷ و ۸ استفاده شد.

● **پرسش ۱:** در پرسش نخست از دانش‌آموزان خواسته شد تصورشان را در مورد یک مرد یا یک پسر بگویند. هدف از طرح این پرسش بدین منظور بوده است که تصور دانش‌آموزان در مورد جنس مذکر چگونه بوده است و در ادامه بتوان با یافته‌های تجزیه و تحلیل کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان مقایسه شود. نتایج تحلیل پاسخ‌ها به این سؤال نشان داد که دانش‌آموزان دختر تصویری که از صفات مردان دارند، تقریباً شبیه به هم است. در واقع دانش‌آموزان دختر، مردان را آزاد تصور می‌کنند. پسرها نیز مرد را شخصی توصیف کرده‌اند که به نوعی قدرت در دست وی است و با صفاتی از جمله: زورگو، مغرور، جویای نام و غیرتی. نتایج تحلیل مصاحبه نشان داد که دختران و پسران دانش‌آموز تصور یکسانی از یک مرد در ذهن خود دارند، هرچند که با صفات گوناگونی منظور خود را بیان کرده‌اند اما به نوعی مردان را با قدرت و آزاد به تصویر کشیده‌اند.

تفاوت‌هایی که در بخش صفات مردانه وجود داشت به این ترتیب بود که کد ۱ مرد را با صفت مهربانی و خشن نباشد، آدم خوب و پاکی باشد، تصور کرده است و کد ۶ مرد را یک غول شاخ‌دار، وحشتناک، آدم بد به تصویر کشیده است. به طور کلی می‌توان این گونه تفسیر کرد که پسران، مردان را باجذب و برتر توصیف کرده‌اند اما دختران جامعه پژوهش دیدگاه منفی در مورد مردان جامعه دارند. در بخش ویژگی‌های فیزیکی مرد، تنها کد ۳ به این ویژگی‌ها پرداخته است و مرد را فرد درشت‌هیکل و سیبل دار به تصویر کشیده است.

● **پرسش ۲:** در پرسش دوم از دانش‌آموزان خواسته شد تصورشان را در مورد یک زن یا یک دختر بگویند. هدف از طرح این پرسش بدین منظور بوده است که تصور دانش‌آموزان در مورد جنس مؤنث چگونه بوده است و در ادامه بتوان با یافته‌های تجزیه و تحلیل کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان مقایسه شود. نتایج تحلیل پاسخ‌ها به این سؤال نشان داد که در بخش صفات زنان از دیدگاه کدهای ۱، ۲ و ۸ (۳۷/۵ درصد) باید‌ها و نباید‌هایی را برای زنان قائل شده‌اند؛ از جمله باید حجاب را رعایت کند، باید از پدر اطاعت کند، باید آرام و با متانت باشد و شیطان نمی‌تواند باشد کدهای ۵ و ۶ (۲۵ درصد) در این رابطه اظهار داشته‌اند که اصلاً آزادی ندارند و حقوقشان در جامعه نادیده گرفته می‌شود.

تفاوت‌هایی که در بخش صفات زنان وجود داشت به این ترتیب بود که کد ۴ اظهار کرده است که زنان در مقایسه با مردان تفاوتی ندارند فقط به ذره لوس‌اند و کد ۲، زنان را ظریف تر به ترسیم کشیده

است. کد ۶ در مورد زنان دیدگاه خوش‌بینانه‌ای دارد و آنان را مثل فرشته و غیرقابل توصیف می‌داند، کد ۷ زن را موجودی بی‌پناه و زودباور قلمداد کرده که در مسائل عاشقی حساس است و در آخر کد ۸ گفته است «آرزوی من این است که کاش پسر بودم». در بخش ویژگی‌های فیزیکی زنان، تنها کد ۳ به سراغ ویژگی‌های ظاهری و فیزیکی زن رفته است و زنان را قدبلند و زیبا به تصویر کشیده است.

● **پرسش ۳:** در پرسش سوم از دانش‌آموزان خواسته شد تصورشان را در مورد یک مرد یا یک پسر که چه رشته تحصیلی را می‌توانند در جامعه داشته باشند، بیان کنند. هدف از طرح این پرسش بدین منظور بوده است که تصورات در مورد رشته تحصیلی دانش‌آموزان در مورد جنس مذکر چگونه بوده است و در ادامه بتوان با یافته‌های تجزیه و تحلیل کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان مقایسه شود. نتایج تحلیل پاسخ‌ها به این سؤال نشان داد که نیمی از نمونه‌ها (کدهای ۱، ۶، ۷ و ۸) پسران را در کادریهای فنی و شغل‌های فنی مناسب‌تر دانسته‌اند و کدهای ۱، ۲ و ۸ (۳۷/۵ درصد) اعلام کرده‌اند که مردان باید وارد بازار کار شوند و مشغول به کار بشوند. علاوه بر آن کد ۵، ۷ و ۸ (۳۷/۵ درصد) گفته‌اند که پسرها همه رشته‌ها را می‌توانند انتخاب کنند و مانعی بر سر راه در انتخاب رشته خود ندارند. به عبارت دیگر ۴ نمونه از ۸ نمونه (۵۰ درصد) مردان را در زمینه رشته‌های فنی مناسب‌تر دیده‌اند که ۳ نمونه از آن‌ها را نمونه‌های دختر تشکیل می‌دادند.

تفاوت‌هایی که در پاسخ به این سؤال وجود داشت، به این ترتیب بود که کد ۳، رشته پزشکی را برای مرد مناسب دانسته است و کد ۸، رشته‌های مهندسی را بیشتر پسرانه تلقی کرده است و گفته است که ظرفیت پسران در کنکور بیشتر از دختران است. در این بخش پسران جامعه پژوهش به بحث در رابطه با اینکه مرد باید در بیرون از خانه برای کسب درآمد کار کند پرداختند و به نوعی یک وظیفه کلیشه‌ای از یک مرد را در اختیار پژوهشگر گذاشتند و دختران نیز دوباره به بحث آزادی پسران در انتخاب رشته و شغل پرداختند.

● **پرسش ۴:** در پرسش چهارم از دانش‌آموزان خواسته شد تصورشان را در مورد یک زن یا دختر که چه رشته تحصیلی را می‌تواند در جامعه داشته باشد، بیان کنند. هدف از طرح این پرسش بدین منظور بوده است که تصورات رشته‌های تحصیلی دانش‌آموزان در مورد جنس مؤنث چگونه بوده است و در ادامه بتوان با یافته‌های تجزیه و تحلیل کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان مقایسه شود. نتایج تحلیل پاسخ‌ها به این سؤال نشان داد که تمامی نمونه‌های پسر در مصاحبه اعلام کرده‌اند که زنان شغل‌هایی که مربوط به امور خانه باشند را باید انتخاب کنند. در واقع عملاً شغلی را مناسب برای خانم‌ها اظهار نکرده‌اند و کارهایی از جمله کودک داری و خانه‌داری را مناسب آن‌ها دانسته‌اند. نمونه‌های دختر نیز (کدهای ۵، ۶، ۷ و ۸) به محدودیت‌های خود در تعیین رشته یا شغل در آینده پرداخته‌اند. به طور مثال، کد ۵ گفته است «که نمی‌توانم به هنرستان بروم چون محیطش بد است و رشته مهمان‌داری را دوست دارم اما پدرم اجازه نمی‌دهد». کدهای ۶ و ۷ متفق‌القول بوده‌اند

که معماری کار زنانه نیست و کدهای ۷ و ۸ نیز رشته وکالت را نامناسب برای زن قلمداد کرده‌اند. تنها کد ۷، رشته‌هایی مانند روان‌شناسی، مهندسی کامپیوتر، گرافیک، نقشه‌کشی، معلمی و جهانگردی را برای زنان مناسب ذکر کرده است و کد ۸ نیز گفته است که دختر باید کارهای هنری انجام دهد. پسران جامعه پژوهش هم به توصیف کلیشه وظایف زن در خانه پرداخته‌اند و عملاً شغلی را برای زنان ذکر نکرده‌اند.

● **پرسش ۵:** در پرسش پنجم، از دانش‌آموزان خواسته شد بگویند که ریشه این تصورات که در مورد مردان و زنان که در پرسش‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ گفته‌اند از کجا آمده است. در واقع با طرح این پرسش، این هدف دنبال شد که آیا کتاب‌های درسی در ساختن این تصورات نقشی داشته است یا خیر. نتایج تحلیل پاسخ‌ها به این سؤال نشان داد که در کلیه موارد دانش‌آموزان به‌نوعی جامعه را در ساختن ریشه تصوراتشان دخیل می‌دانستند. کدهای ۱، ۲ و ۳ (۳۷/۵ درصد) ریشه تصورات خود را تلویزیون دانسته‌اند. ۷ نفر از ۸ نفر نمونه پژوهش (به غیر از کد ۱) یعنی ۸۷/۵ درصد، خانواده را ریشه تصورات خود مطرح کرده‌اند و تنها دو مورد (۲۵ درصد) کد ۴ و ۷ مدرسه و معلم را در ساختن تصورات خود مهم دانسته‌اند و اشاره‌ای به کتاب‌های درسی نکرده‌اند. در این میان تنها کد ۲ کتاب‌های درسی و کتاب‌های خارج از درس را ریشه‌ای برای تصورات خود دانسته است. به‌طورکلی نتایج پاسخ به این سؤال نشان داد که دختران بیشتر از خانواده خود ریشه گرفته‌اند؛ اما پسران علاوه بر اشاره بر خانواده به ارگان‌های دیگر جامعه نیز اشاره کرده‌اند.

● **پرسش ۶:** در پرسش ششم از دانش‌آموزان خواسته شد که دوباره در مورد ریشه تصوراتشان صحبت کنند اما این بار از آنان خواسته شد بگویند کدام یک از این ریشه‌ها بیشترین تأثیر را در ساختن تصوراتشان داشته‌اند. نتایج تحلیل پاسخ‌ها به این سؤال نشان داد که حدود ۷۵ درصد از نمونه‌ها (کدهای ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۸) خانواده را مهم‌ترین عضو و پررنگ‌ترین پارامتر در ساختن تصورات خود شناخته‌اند. تنها در یک مورد (کد ۱) تلویزیون را ریشه اصلی و مهم قلمداد کرده است و نیز کد ۴ مدرسه را در کنار خانواده به‌عنوان ریشه اصلی نامبرده است.

● **پرسش ۷:** در پرسش هفتم، از دانش‌آموزان خواسته شد تصویر یک دانشمند را که در کتاب‌های درسی آمده است را شرح دهند و پس از پایان توصیفات از دانش‌آموزان پرسیده شد که چرا دانشمندان را بدین شکل به تصویر کشیده‌اند. هدف از طرح این پرسش به چند دلیل انجام شده است: اولاً در روش آندره میشل که در قسمت روش به آن اشاره کرده‌ایم، یکی از فعالیت‌های اشخاص، فعالیت حرفه‌ای است و دانشمند به‌عنوان یک فعالیت حرفه‌ای مطرح می‌شود و ثانیاً بر اساس یافته‌های تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، فعالیت حرفه‌ای دانشمند فقط برای مردان مطرح شده است و تصویری از خانم‌ها به‌عنوان یک دانشمند در کتاب‌ها یافت نشده است. بدین منظور این پرسش مطرح شد که بتوان نقش کلیشه‌های جنسیتی کتاب‌های درسی را در ساختن

تصورات دانش‌آموزان مورد بررسی قرار داده شود. در تحلیل پاسخ‌ها، در بخش ویژگی‌های فیزیکی یک دانشمند، شباهت‌های چشمگیری در پاسخ‌دهی به این پرسش یافت شد. به‌طور کلی می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که از میان ۸ نمونه، ۵ نمونه (۶۲/۵ درصد) پاسخ یکسانی در مورد تصویر یک دانشمند داده‌اند که آن هم موهای به‌هم‌ریخته بوده است. همین‌طور ۵۰ درصد از نمونه‌ها، دانشمند را سالخورده به تصویر کشیده‌اند. بارزترین اشتراکی که در بین دانش‌آموزان یافت شد، این بود که همه یک مرد را به‌عنوان دانشمند به تصویر کشیده‌اند.

● **پرسش ۸:** در پرسش هشتم، از دانش‌آموزان خواسته شد تصویر یک مبارز را که در کتاب‌های درسی آمده است را شرح بدهند و پس از پایان توصیفات چرایی آن دانش‌آموزان جویا شد. هدف از طرح این پرسش به چند دلیل انجام شده است: اولاً در روش آندره میشل که در قسمت روش به آن اشاره شد، یکی از فعالیت‌های اشخاص، فعالیت سیاسی-اجتماعی است و بر اساس یافته‌های تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، فعالیت سیاسی-اجتماعی مبارز بیشتر برای مردان مطرح شده است و تصویر انگشت‌شماری از خانم‌ها، به‌عنوان یک مبارز، در کتاب‌ها یافت شده است. بدین منظور این پرسش مطرح شد که بتوان نقش کلیشه‌های جنسیتی کتاب‌های درسی را در ساختن تصورات دانش‌آموزان مورد بررسی قرار گیرد. نتایج این سؤال نشان داد که در بخش صفات یک مبارز، کدهای ۱ و ۴ مبارز را شخصی که مدام در حال جنگ است، دیده‌اند؛ کدهای ۵ و ۶ صفت باجذب را به مبارز لقب داده‌اند؛ کد ۶ و ۷ به صفت خشن بودن برای مبارز تأکید داشته‌اند و در بقیه موارد اشتراکی در این بخش دیده نشده است. در بخش ویژگی‌های فیزیکی مبارز، اشتراکات زیادی به چشم می‌خورد. کدهای ۲، ۳ و ۶ یعنی ۳۷/۵ درصد از نمونه‌ها، مبارز را یک شخص قبدلند و هیکلی توصیف کرده‌اند و کدهای ۲، ۳، ۵، ۶ و ۷ (۶۲/۵ درصد) مبارز را کسی می‌دانستند که در دستش شمشیر و سپر دارد. در بخش اسامی مبارزان حدود ۳۷/۵ درصد از نمونه‌ها (کدهای ۲، ۵ و ۷) از رستم و سهراب به‌عنوان مبارز نامبرده‌اند. ۵۰ درصد نمونه‌ها (کدهای ۲، ۵، ۷ و ۸) دلیل اصلی که مبارز را بدین شکل ترسیم کرده‌اند این بوده است که در کتاب‌ها این‌گونه دیده‌اند و کد ۲، ۳ و ۸ (۳۷/۵ درصد) در تلویزیون و فیلم، مبارز را بدین شکل مشاهده کرده‌اند. بارزترین اشتراکی که بین دختر و پسر مشاهده شد این بود که همه نمونه‌های جامعه آماری پژوهش مبارز را یک مرد به تصویر کشیده‌اند.

● **پرسش ۹:** در پرسش نهم، از دانش‌آموزان خواسته شد تصویر یک شاعر یا نویسنده را که در کتاب‌های درسی آمده است شرح بدهند و پس از پایان توصیفات از دانش‌آموزان پرسیده شد که چرا شاعر یا نویسنده را بدین شکل به تصویر کشیده‌اند. هدف از طرح این پرسش به چند دلیل انجام شده است: اولاً در روش آندره میشل، یکی از فعالیت‌های اشخاص، فعالیت حرفه‌ای است و شاعر یا نویسنده به‌عنوان یک فعالیت حرفه‌ای مطرح می‌شود و ثانیاً بر اساس یافته‌های تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، فعالیت حرفه‌ای شاعر و نویسنده برای هر دو جنس مطرح شده است، بدین منظور



این پرسش مطرح شد که بتوان نقش کلیشه‌های جنسیتی کتاب‌های درسی را در ساختن تصورات دانش‌آموزان مورد بررسی قرارداد. نتایج نشان داد که در بخش اشتراک صفات یک شاعر پراکندگی پاسخ‌ها دیده می‌شود اما به نوعی ۵۰ درصد پاسخ‌ها شاعر را شخص حساس و با روحیه لطیف دیده‌اند (کدهای ۲، ۵، ۷ و ۸). در بخش ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری یک شاعر، دو کد ۲ و ۵ موی بلند و به‌هم‌ریخته را برای شاعر به تصویر کشیده‌اند. در ذکر کردن نام شعرا و نویسندگان ۵۰ درصد از کدها (کدهای ۲، ۳، ۷ و ۸) از «سعدی»، «حافظ»، «مولوی» و «فردوسی» نام برده‌اند و در بقیه موارد پراکندگی در نام بردن دیده می‌شود. در مورد چرایی به تصویر کشیدن شاعر ۷۵ درصد کدها (کدهای ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸) اعلام کرده‌اند که در کتاب‌های درسی این تصاویر را مشاهده کرده‌اند. تفاوت‌هایی که در بخش صفات شعرا یا نویسندگان می‌توان مشاهده کرد این است که کد ۱ اظهار کرده است که شعرا به خودشان می‌رسند؛ اما کد ۲ دیدگاهی برعکس با کد ۱ داشت. جالب توجه است که کد ۲ شاعر را شخصی به تصویر کشیده است که «فاده‌ایی شبیه خانم‌ها دارد». این جمله خود بدان معنا است که کد ۲ شاعر یک مرد تصور می‌کرده است. در نام بردن اسامی، دو تن از نمونه‌های دختر (کدهای ۶ و ۷) از «پروین اعتصامی» و «سیمین دانشور» نام برده‌اند و در بقیه موارد پاسخ‌ها اشاره به شاعران و نویسندگان مرد داشته است.

● **پرسش ۱۰:** در پرسش دهم، از دانش‌آموزان در زمینه انتخاب رشته تحصیلی‌شان در سال آینده سؤال پرسیده شد. از آن‌ها خواسته شد بگویند، چه رشته تحصیلی را می‌خواهند در سال آینده انتخاب کنند و چرا آن را انتخاب کرده‌اند. در واقع با طرح این پرسش به اطلاعات جمعیت شناختی اضافه شد و هم‌نظر آن‌ها را در مورد رشته‌های انتخابی‌شان با ذکر علت مشخص شد. علاوه بر به دست آوردن اطلاعات بالا، می‌توان به بخش عمده‌ای از پرسش‌های پژوهش پاسخ داد. طبق پاسخ‌های ارائه‌شده، ۶۲/۵ درصد از نمونه‌ها (کدهای ۱، ۲، ۴، ۵ و ۶) به دلیل علاقه و بازار کاری خوب، رشته ریاضی را در آینده انتخاب می‌کنند. کد ۷ رشته انسانی به علت علاقه به رشته روان‌شناسی را انتخاب کرده است. کد ۸ نیز رشته تجربی را، علی‌رغم علاقه‌ای که به رشته انسانی و وکالت دارد انتخاب کرده است (کد ۸ در بخش پرسش‌های ابتدایی بیان کرده بود که او وکالت را دوست دارد، ولی کسی وکیل زن نمی‌خواهد). ۷۵ درصد از نمونه‌ها رشته‌های فنی و مهندسی را برای آینده انتخاب کرده‌اند که از این میان ۵۰ درصد را پسرها و ۲۵ درصد را دخترها تشکیل داده‌اند و علت انتخاب این رشته از سمت پسران این بوده است که بازار کار خوبی دارد و دختران به خاطر علاقه به این رشته گرایش پیدا کرده‌اند.

● **پرسش ۱۱:** در پرسش یازدهم، از دانش‌آموزان پرسیده شد که: نظر دیگران در زمینه انتخاب رشته تحصیلی‌تان چه بوده است؟ در واقع این پرسش به دنبال دستیابی به کلیشه‌های جنسیتی در زمینه انتخاب رشته تحصیلی است. با توجه به پاسخ‌های ارائه‌شده مشخص شد که ۶۲/۵ درصد از پاسخ‌ها

(کدهای ۱، ۲، ۴، ۵ و ۸) دلالت بر این دارد که پدر و مادر در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان نقش اساسی را بازی می‌کنند. کد ۶ اعلام کرده است که پدر و مادر راهنمایی غلط می‌کنند و من به حرف آنان گوش نمی‌کنم و به رشته ریاضی می‌روم و کدهای ۳ و ۷ نیز مطرح کردند که پدر و مادر با نظر آن‌ها موافق بوده است. بدین گونه می‌توان تفسیر کرد که پدر و مادر در انتخاب رشته تحصیلی فرزند خود نقش مهمی را دارند و رضایت و نظر آن‌ها دلیل مهمی برای انتخاب رشته در آینده است.

● **پرسش ۱۲:** در پرسش دوازدهم، از دانش‌آموزان خواسته شد نظر خودشان را در رابطه با چهار رشته ریاضی، تجربی، انسانی و هنر بگویند. در واقع این پرسش به دنبال این است که دانش‌آموزان چه نظراتی در مورد این چهار رشته دارند و آیا نظراتشان به کلیشه‌های جنسیتی آغشته است یا خیر. به‌طور کلی پاسخ‌های داده‌شده به این سؤال نشان داد که پسرها بیشتر به دنبال بازار کار هستند تا اینکه بخواهند علاقه و استعداد خود را در رشته‌ها بیابند و رشته‌ای را مناسب جنس خود می‌دانند که بازار کار خوبی داشته باشد.

● **پرسش ۱۳:** در پرسش سیزدهم، از دانش‌آموزان خواسته شد که به این سؤال پاسخ دهند که چه تفاوتی بین درس خواندن دختر و پسر وجود دارد. در واقع این پرسش به دنبال این است که آیا نظرات دانش‌آموزان به کلیشه‌های جنسیتی آغشته است یا خیر. نتایج نشان داد که ۷۵ درصد از پاسخ‌ها (کدهای ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸) دلالت بر این دارد که دختر و پسر تفاوت بسزایی در درس خواندن با هم دارند و ۲۵ درصد پاسخ‌ها (کدهای ۱ و ۲) نشان می‌دهد که دختر و پسر تفاوتی در درس خواندن با هم ندارند. ۶۲/۵ درصد از پاسخ‌ها (کدهای ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷) دختر را درس‌خوان‌تر از پسر می‌دانستند و کد ۲ و ۸ نیز به ترتیب اشاره کردند که شغل اصلی دختر تحصیل کردن است و خانواده روی تحصیل دختر تأکید دارد. ۶۲/۵ درصد نمونه‌ها (کدهای ۲، ۳، ۵، ۷ و ۸) بیان کردند که پسران روی درس خواندن تأکید ندارند چون برایشان این مهم است که زودتر وارد بازار کار شوند. فقط در یک مورد از سمت دختران (کد ۶) اعلام شده است که پسران باهوش‌تر از دختران هستند. همچنین کد ۴ نیز گفته است که «دخترها درس‌خوان‌تر هستند اما پسر برای اینکه کم نیاورد هم می‌تواند خوب درس بخواند و موفق شود».

● **پرسش ۱۴:** در پرسش آخر، نظر کلی دانش‌آموزان را در مورد کتاب‌های درسی و تأثیر کتاب‌های درسی بر آن‌ها پرسیده شد. هدف از طرح پرسش آخر، جمع‌بندی از سؤالات بود تا بتوان به پرسش‌های پژوهش با دیدی کامل پاسخ داد. طبق نتایج به‌دست‌آمده، کدهای ۱، ۲، ۳، ۵ و ۷ اظهار کردند که کتاب‌های درسی تأثیر زیادی در ذهنشان نداشته است؛ کد ۱ گفته است «کتاب‌ها تأثیر زیادی نداشته، معلم تأثیرگذارتر است» و کد ۳ می‌گوید: «کتاب‌ها چیزی نمی‌گویند باید در محیط قرار بگیری تا یاد بگیری» اما کد ۶ گفته است: «که کتاب تأثیر دارد، مرد کسی است که حرف حرف خودش است و من از پدرم اطاعت می‌کنم» و کد ۸ هم تأثیر کتاب درسی را بر روی خود منفی

دانسته است وی گفته است: «وقتی خواستم خودم را بشناسم، کتاب تصویر غلطی به من داد از اینکه دختر باید زود ازدواج کند و پسر وارد بازار کار شود». کد ۴ اظهار کرده است که در کتاب اسمی از یک دختر پیدا نمی‌کنیم و همیشه می‌گویند: «محمد رفت و پدر آمد». این خود نکته بسیار مهمی است که می‌تواند عامل تأثیرگذاری بر روی دانش‌آموزان باشد.

همچنین ۶۲/۵ درصد پاسخ‌ها دلالت بر این نکته داشت که دانش‌آموزان از تبعیض‌های جنسیتی حاکم در کتاب‌های درسی‌شان آگاهی دارند و به آن‌ها اشاره کرده‌اند و ۲۵ درصد نمونه‌ها اعلام کردند که این تبعیض‌ها بر رویشان تأثیر گذاشته است و در ۳۷/۵ درصد نیز به این نکته اشاره کردند که مطالب کتاب‌های درسی با واقعیت یکسان نیستند (کدهای ۴، ۵ و ۷). به‌طور کلی دختران به‌نوعی از تبعیض‌هایی که در کتاب‌های درسی علیه جنسیتشان انجام می‌شود، آگاهی دارند اما پسران نمونه از این‌گونه تبعیض‌ها به غیر از کد ۴ مطلبی در این باره در اختیار پژوهشگر قرار ندادند.

### ■ نتیجه‌گیری ■

این پژوهش باهدف تعیین نقش کلیشه‌های جنسیتی کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر انجام گرفت. به‌عنوان پیش‌درآمدی بر متن پژوهش، نخست تحلیل کمی انجام شد و اسم‌ها و تصاویر زنان و مردان در کتاب‌های مورد بررسی، شمارش و مقایسه شد. طبق نتایج به‌دست‌آمده اسم‌ها و تصاویر موجود در این کتاب‌ها بیشتر متعلق به مردان است.

همچنین برای اینکه روشن شود، در کتاب‌های مورد بررسی نقش‌های اصلی بر عهده کدام جنس است، تحلیل کیفی انجام شد و نتایج نشان داد که در ویژگی‌ها و رفتارهای منتسب به زنان (لطافت روحی، مهربانی، ضعیف بودن) گرایش‌های فردی بیشتر و نشانه‌های پویایی کمتر است و در ویژگی‌ها و رفتارهای منتسب به مردان جنبه‌های اجتماعی قوی‌تر و عنصر هوش و خلاقیت بیشتر است (سخت‌کوشی در تحصیل، فعال و کوشا، علاقه‌مند به کسب علم). نتایج تحقیق نشان داد که در کتاب‌های مورد بررسی بیشترین حضور زنان در کارهای خانگی و کمترین آن در کارهای سیاسی-اجتماعی است و به ترتیب از فعالیت‌های تربیتی تا فعالیت حرفه‌ای و بعد سیاسی-اجتماعی نقش زنان کمتر و کمتر می‌شود. در واقع زنان «موجوداتی خانگی» معرفی شده‌اند و نقش‌های کارساز اجتماعی خاص مردان قلمداد شده است. حتی فعالیت تربیتی مردان در ارتباط با کودکان بیشتر و اساسی‌تر از فعالیت‌های تربیتی زنان است. قابل ذکر است که حتی در فعالیت اوقات فراغت مردان بیشتر

فعال و بیرونی‌اند و زنان منفعل و خانگی. این پژوهش روشن کرد که کتاب‌های درسی با اصلاحات متعددی که در آن صورت گرفته است، هنوز خواسته یا ناخواسته به کلیشه‌های تبعیض جنسیتی وفادارند و پیش‌داوری‌ها، تأثیری آشکار بر کمیت اسم‌ها و تصویرها و کیفیت فعالیت‌های منتسب به هریک از دو جنس داشته است. نوع ویژگی‌های شخصیتی و رفتارهای اجتماعی منتسب به زنان و مردان نیز متأثر از همین پیش‌داوری‌هاست که زن را فرودست و مرد را جنس برتر می‌دانند.

گذشته از کیفیت معرفی چهره زن و مرد و انتساب مشاغل یا ویژگی‌های خاص به هریک از دو جنس، تبعیضی ریشه‌ای‌تر در کتاب‌های مورد بررسی به چشم می‌خورد که ناشی از کاربرد واژگان و تعبیرها در زبان فارسی است. خوشبختانه در دستور زبان فارسی مذکر و مؤنث یکسان‌اند، تنها در کاربرد بعضی از واژه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و استعاره‌ها ارزش‌گذاری جنسی پدید آمده که باید در رفع این مشکل چاره‌ای اندیشید. به‌عنوان مثال وقتی به جای اینکه گفته شود «اگر انسان‌ها باهم عهدی ببندند، آن عهد را هیچ‌گاه نمی‌شکنند»، می‌گویند «اگر برادران باهم عهدی ببندند، آن عهد را هیچ‌گاه نمی‌شکنند» (ادبیات فارسی، ص ۳۸)؛ ناخواسته به دانش‌آموز گفته شده است که زن می‌تواند پیمان‌شکنی کند. همچنین کاربرد اسم‌های مذکر برای نامیدن نقش‌هایی که ممکن است هم مردانه و هم زنانه باشد چه بسا به کودکان القا کند که این نقش‌ها فقط می‌تواند مردانه باشند، درحالی‌که هیچ‌یک از توانایی‌های انسان را خواه در عرصه هوش و عاطفه و خواه در عرصه فعالیت نمی‌توان در یک موجود بشری به سبب تعلقش به جنس مذکر یا مؤنث رد کرد.

پس از تحلیل کمی و کیفی کتاب‌های درسی که در پاسخ به سؤال‌های اول و دوم پژوهش صورت گرفته بود، جهت پاسخ به سؤال‌های ۳ تا ۵ پژوهش از مصاحبه نیمه‌ساختارمند که شامل ۱۴ پرسش بود، استفاده شد. با توجه به نتایج ارائه‌شده در مورد ۴ پرسش اول، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که زنان در جامعه از جایگاه ساختاری همانندی با مردان برخوردار نیستند، بلکه پسر مساوی با آزادی و دختر برابر با محدودیت است. در واقع نتیجه ۴ پرسش اول با تمام نتایجی که در بخش تحلیل کمی و کیفی کتاب‌های درسی به دست آمد، منافاتی باهم ندارند. در کتاب‌های درسی نیز زنان نقش‌های فرودستی دارند و در فعالیت خانگی نقش برجسته‌ای دارند اما در فعالیت‌هایی حرفه‌ای و سیاسی-اجتماعی این مردان هستند که بیشترین نقش را بازی می‌کنند. این نتایج با نتایج حاصله از مصاحبه‌ها با دانش‌آموزان وجوه مشترکی دارد. باید بپذیریم که اجتماعی شدن کودکان از همان سنین پایین در خانواده آغاز می‌شود، پس به نقش آموزش‌های کلیشه‌ای نیز باید توجهی خاص

مبذول داشت و این نقش در سال‌های بعد با ورود کودک به مدرسه، با توجه به متون و مواد آموزشی ادامه می‌یابد. در مورد مابقی پرسش‌های مصاحبه با دانش‌آموزان نیز باید گفت که این بار هم نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها با نتایج تحلیل محتوای کتاب‌های درسی شبیه به هم بودند.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان به نظریه‌هایی که معتقدند محیط بر روی انسان تأثیر می‌گذارد، اشاره نمود؛ نظریه بوم‌شناختی یوری برونفن برنر<sup>۲۵</sup> شخصی را در نظر می‌گیرد که در یک سیستم پیچیده روابط، رشد می‌کند که چندین سطح از محیط اطراف بر او تأثیر می‌گذارند (برک، ۱۳۹۴/۲۰۰۷، ج ۱، ص ۴۲). برنن برنر محیط را به صورت یک سلسله ساختارهای آشیانه مدار در نظر دارد که خانه، مدرسه، محله و محیط کار را که افراد زندگی روزمره خود را در آن‌ها می‌گذرانند شامل می‌شود و هر لایه محیط تأثیر قدرتمندی بر رشد دارد (ص ۴۲). مدرسه و کتاب‌های درسی را یکی از عوامل محیط اجتماعی می‌توان در نظر گرفت. بر طبق نظر آلبرت بندورا<sup>۲۶</sup>، تبیین مشهور در تفاوت‌های جنسیتی در رفتار «شرطی سازی» است یعنی پسران و دختران به گونه‌ای مناسب جنسیت خود عمل می‌کنند، چراکه آن‌ها به خاطر انجام دادن برخی کارها تقویت شده‌اند و برای انجام دادن کارهای دیگر تنبیه شده‌اند. عقیده بر این است که اصل شرطی شدن منجر به اکتساب نقش‌های جنسیتی می‌شود. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، سازوکار تقویت، تقلید و یادگیری مشاهده‌ای، اساس فرایند شکل‌گیری جنسیتی یعنی اکتساب رفتارهای وابسته به جنسیت را تشکیل می‌دهد (شیلی هاید<sup>۲۷</sup>، ۱۳۸۷/۱۹۹۰، ص ۷۳). کتاب می‌تواند به عنوان الگو و مدل برای دانش‌آموزان به کار رود. ویژگی‌ها در کتاب‌های درسی می‌توانند مدل‌هایی باشند که دانش‌آموزان به آن‌ها توجه کرده و به یاد می‌سپارند و در هنگام نیاز به صورت الگوی رفتاری نشان داده می‌شود. همچنین در تعریف جامعه‌پذیری آمده است که جامعه‌پذیری، پذیرش قوانین، طرز تفکر، اندیشه‌ها، عقاید، سنت‌ها و ارزش‌های اخلاقی و در نهایت درونی کردن این عناصر و اجرا کردن آن‌ها در زندگی روزمره است (گیدنز، ۱۳۹۲/۲۰۰۳، ص ۳۵۴). کتاب‌های درسی به عنوان یکی از نهادهای جامعه‌پذیری نقش مؤثری بر جامعه‌پذیر کردن افراد دارد، همچنین در روند جامعه‌پذیری، جنس افراد عامل مهمی است، چراکه مطابق با نظریه جامعه‌پذیری، جنسیت (مذکر و مؤنث بودن) موجب می‌گردد که افراد مجموعه متفاوتی از ویژگی‌ها و رفتارهای شایسته زنانه / مردانه را فرا گرفته و به هنگام ایفای نقش‌های اجتماعی شان به آن‌ها عمل نمایند (علمی و الیاسی، ۱۳۸۸).

ساخت ذهنی افراد ناشی از وضعیت فرهنگی جامعه‌ای است که در آن متولد شده‌اند.

این ساخت ذهنی با عنوان طرح‌واره<sup>۲۸</sup>، متأثر از فرهنگ جامعه، محیط خانوادگی، مدرسه (آموزش و کتاب‌های درسی). رسانه می‌باشد. طرح‌واره‌های مختلفی در جامعه وجود دارد که یکی از آن‌ها، طرح‌واره‌های جنسیتی<sup>۲۹</sup> است که زمینه اصلی را برای پردازش اطلاعات بر اساس جنسیت فراهم می‌کنند. این طرح‌واره‌ها را که مجموعه‌ای سازمان‌یافته از دانش جنسیتی می‌نامند و می‌توانند منجر به ایجاد کلیشه‌های جنسیتی در جامعه شوند، فرد به‌صورت تدریجی و طی فرایند جامعه‌پذیری از دوران کودکی یاد می‌گیرد (تاج‌زینانی و حامد، ۱۳۹۳)؛ بنابراین ارزش‌ها و باورها و آداب و رسوم اجتماعی از طریق ابزارهای اجتماعی هستند که نهاد آموزش و پرورش از طریق آن‌ها اهداف آموزشی خود را در دانش‌آموزان درونی می‌کند.

امروزه موضوع جنسیت از مسائل مهم در جوامع است و کمتر جامعه‌ای است که در تنظیم برنامه و نظام‌های خود موضوع جنسیت را مدنظر قرار ندهد. نظام تربیت رسمی و عمومی از این امر جدا نمی‌افتد (حسنی، ۱۳۹۴). نتایج پژوهش‌های انجام‌شده توسط حاضری و احمدپور (۱۳۹۱)، سیف (۱۳۸۹) و همدان و جلابنه (۲۰۰۹) در راستای نتایج این پژوهش بوده و حاکی از آن است که در کتاب‌های درسی، تبعیض‌های جنسیتی به‌وفور یافت می‌شود و همان‌طور که از مصاحبه با دانش‌آموزان یافتیم پاسخ‌های آن‌ها تا حدودی آغشته به کلیشه‌های جنسیتی است که می‌توان گفت تأثیر پیام‌های کتاب‌های درسی است.

با توجه به مطالب گفته‌شده و یافته‌های موجود که ارائه شده است، در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و زبان فارسی کلیشه‌های جنسیتی موجود هستند و تأثیر این کلیشه‌ها نیز در پرسش‌هایی که از دانش‌آموزان خواسته شد که تصویر یک دانشمند، مبارز و شاعر را شرح بدهند به‌روشنی قابل لمس است و دانش‌آموزان این سه شخصیت دانشمند، مبارز و شاعر را برگرفته از کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی شان بازگو کردند. اما این نکته که کلیشه‌های جنسیتی در کتاب‌های مورد بررسی در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان چقدر نقش داشته است، به‌طور یقین نمی‌توان آن را بیان کرد، چون منابع دیگری به غیر از کتاب‌های درسی از جمله خانواده، رسانه و ... وجود دارند که بر کلیشه‌های جنسیتی تأثیرگذارند. همان‌طور که دانش‌آموزان هم در پرسش آخر به این موضوع اشاره کرده‌اند.

بررسی نقش کلیشه‌های جنسیتی در کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر و مقایسه آن با واقعیت به این نتیجه می‌رسد که چهره ارائه‌شده از زن و مرد در این کتاب‌ها با واقعیت‌های اجتماعی سازگار نیستند زیرا زنان در فعالیت‌های تربیتی (در خانه و در بیرون از خانه)، در فعالیت‌های

حرفه‌ای (پزشکی، استاد دانشگاهی، مهندسی و معماری)، در فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی (نماینده‌گری در مجلس و وزارت بهداشت) و نیز در فعالیت‌های اوقات فراغت (شرکت در مسابقات علمی مانند المپیاد و مسابقات ورزشی) حضور دارند اما فراموش کردن همه این فعالیت‌ها مؤثر زنان در جامعه و تکرار تبعیض‌های کهنه جنسیتی در کتاب‌های درسی، دانش‌آموز را در رویارویی با واقعیت‌ها و انتخاب رشته و شغل در آینده دچار تناقض می‌کند. برای دانش‌آموز ممکن است دو حالت به وجود بیاید: ۱- دانش‌آموز به کلیشه‌ها پایبند می‌ماند و بر این اساس جنس‌ها از کلیشه‌ها پیروی می‌کنند، حاضر نیستند دیوار کلیشه را فرو ریزند و علیه کلیشه‌ها گام بردارند. این کلیشه‌های تبعیض‌آمیز بر تمامی عرصه‌های جامعه از محیط آموزش و پرورش گرفته تا کار و زندگی خانوادگی حاکمیت دارد و اعمال نفوذ می‌کند. در نتیجه هدف از آموزش وی که تربیت یافتن برای پذیرش نقش‌های کارساز فردی و اجتماعی است به شکست می‌انجامد؛ ۲- دانش‌آموز واقعیات جامعه را می‌پذیرد و اعتماد خود را به کتاب‌ها از دست می‌دهد، نسبت به کتاب‌های درسی بی‌توجه می‌شود و آن‌ها درسی را جهت گرفتن نمره از معلم می‌خواند و در عمل یادگیری نخواهد داشت.

دختران در متون درسی یاد می‌گیرند که پسران تواناتر از آنان در کارهای عملی و فنی هستند. در کتاب‌های درسی، دختر مهارت‌های خانه‌داری را و پسر فن کار را یاد می‌گیرد. البته با همه این آموزش‌های دلسردکننده، تعداد زنانی که در نقش‌های اجتماعی و حرفه‌های علمی - تخصصی از خود اقتدار و ابتکار نشان می‌دهند رو به افزایش است و این گواه بر شایستگی مضاعف آنان است. در صورتی که کتاب‌های درسی بر روی این واقعیات جاری در جامعه پشت کرده است و نقش زن ایرانی را در کتاب‌های درسی محدود به مادر بودن، همسر بودن، خانه‌دار گشتن و سایه‌های کم‌رنگی از معلم بودن به تصویر می‌کشد. آموزش دختران بی‌هیچ تبعیضی می‌تواند بهترین امید را جهت محو محرومیت زنان در جامعه به بار آورد. تحصیل بیشتر باعث می‌شود تا از یک سو درآمد اقتصادی افزایش یابد و از سوی دیگر بینش زنان دگرگون شده، تأثیر مثبت بپذیرد و آموزش منجر به تواناسازی زنان می‌گردد. فواید اجتماعی این آموزش انکارناپذیر است. دانایی و آگاهی حاصله تأثیر ژرفی را در جامعه به همراه خواهد داشت. کتاب‌های درسی در ایران تقریباً هرچند سال یک‌بار از جهات مختلف اصلاح می‌شود اما همچنان بار تبعیض‌های جنسیتی را به دوش خود می‌کشد. می‌گویند شناخت درد نیمی از درمان است، امیدواریم در رابطه با کتاب‌های درسی این درد را حس کنیم و در ترمیم آن کوشا باشیم.

منابع

برک، لورا. (۱۳۹۴). روان‌شناسی رشد، (ترجمه یحیی سیدمحمدی). تهران: نشر ارسباران (اثر اصلی در سال ۲۰۰۷ چاپ شده است).

تاج مزینانی، علی اکبر و حامد، مهدیه. (۱۳۹۳). بررسی تحول فرهنگ جنسیتی در کتب درسی (مطالعه‌ای تطبیقی پیرامون کتاب‌های فارسی اول ابتدایی). فصلنامه علوم اجتماعی، ۶۴، ۱۰۰-۷۴.

حاضری، علی محمد و احمدپور، علی رضا. (۱۳۹۱). بازنمایی جنسیت در کتب فارسی مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۴(۱۰)، ۷۵-۹۶.

حسینی، محمد. (۱۳۹۴). ملاحظات جنسیتی در نظام تربیت رسمی و عمومی (چاپ اول)، تهران: انتشارات مدرسه.

دشتی خودیگی، منصوره و حسینی، سیدحسین. (۱۳۹۴). بررسی مقایسه‌ای میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی و رابطه آن با میزان دینداری (مطالعه زنان و مردان بالای ۲۰ سال منطقه ۶ شهر تهران در سال ۱۳۹۲). مطالعات زن و خانواده، ۲(۳)، ۱۵۱-۱۸۳.

ریاحی، محمد اسماعیل. (۱۳۸۶). عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی. پژوهش زنان، ۱(۵)، ۱۰۹-۱۳۶.

سیف، اسد. (۱۳۸۹). تفاوت‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی ایران. قابل دسترسی در <http://www.google.com>

شیلپه‌اید، جانث. (۱۳۸۷). روان‌شناسی زنان (سهم زنان در تجربه بشری)، (ترجمه اکرم خمسه). تهران: انتشارات آگه و ارجمند (اثر اصلی در سال ۱۹۹۰ چاپ شده است).

گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی، (ترجمه منوچهر صبوری). تهران: انتشارات نی (اثر اصلی در سال ۲۰۰۳ چاپ شده است).

گولومبوک، سوزان و فی ووش، رابین. (۱۳۹۳). رشد جنسیت، (ترجمه مهرانز شهرآرای). تهران: انتشارات ققنوس (اثر اصلی در سال ۲۰۰۷ چاپ شده است).

علمی، محمود و الیاسی، سارا. (۱۳۸۸). عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی (مطالعه موردی زنان شاغل همسر دار شهرستان سراب). مطالعات جامعه‌شناسی، ۲(۲)، ۷۵-۵۳.

منادی، مرتضی. (۱۳۸۷). درآمدی جامعه‌شناختی بر جامعه‌پذیری (چاپ اول)، تهران: انتشارات جیحون.

میشل، آندره. (۱۳۸۱). پیکار با تبعیض جنسی، (ترجمه محمد پوینده). تهران: انتشارات چشمه (اثر اصلی در سال ۱۹۹۵ چاپ شده است).

Blumberg, Rae Lesser. (2007). *Gender Bias in Textbooks : Hidden Obstacle on The Road to Gender Equality in Education*. Virginia: Unesco .

Elkin, F.& Handel, G. (1972). *The child and society: The process of socialization*. New york: Random house.

Hamdan, Sameer., & Jalabneh, Atef. (2009). Topics in EFL Textbooks And The Question of Gender Dominance: A Case Study From Public Schools of Jordan. *The International Journal of Language Society And Culture*, 28, 52-59.

Keong, Yuen chee. (2008). Unraveling Linguistic Sexism & Sex Role Stereotyping in Malaysian English Language TextbookS. *The Journal of Pengajian Umum Bil*, 8(7), 101-111.

Stanley, L. & Wise, S. (2000). What's Wrong with Socialisation? in S. Jackson and S. Scott (eds.), *Gender: A Sociological Reader*. London: Routledge

Montenegro – Zinec. (2010). *Gender Stereotypes In Elementary School Textbooks (Grades 1, 4 And 8)*. Information And Education Center for Woman of Montenegro –Zinec.

Piironen, Anna-Reeta. (2004). *Gender Roles In An English Textbooks Series for Finnish Lower Secondary Schools* (Unpublished Masters Thesis). University of Jyväskylä.

Zittleman, Karen., & Sadker, David. (2007). Gender Bias From Colonial America to Today's Classrooms. *The Journal of Multicultural Education*, 13, 135-169.

پی‌نوشت‌ها

- |                               |                                      |   |
|-------------------------------|--------------------------------------|---|
| 1. Formal instruction program | 12. Stereotypes.                     | language  |
| 2. Hidden curriculum          | 13. Gender stereotypes               | ۲۲. ویژگی‌های دارای بار ارزشی مثبت را صفات مثبت می‌گویند. |
| 3. Piironen                   | 14. Blumberg                         | ۲۳. ویژگی‌های دارای بار ارزشی منفی را صفات منفی می‌گویند. |
| 4. Illich                     | 15. Keong                            | 24. Gender discrimination                                 |
| 5. Giddens                    | 16. S. Hamdan                        | 25. U. Bronfenbrenner                                     |
| 6. Zittleman                  | 17. A. Jalabneh                      | 26. A. Bandura  |
| 7. Sadker                     | 18. Qualitative Research             | 27. Shallyhide  |
| 8. Socialization              | 19. Quantitative analysis of content | 28. Schema  |
| 9. Gender socialization       | 20. Qualitative analysis of content  | 29. Gender schema   |
| 10. Stanly and Wise           | 21. Analysis of sexism inherent in   |   |
| 11. Elkin and Handel          |                                      |   |